

۱ کدام عبارت درباره‌ی فلسفه‌ی توماس آکوئیناس و گسترش بحث مغایرت وجود و ماهیت در اروپا نادرست است؟

۱ توماس آکوئیناس به تبعیت از فلسفه‌ی ابن‌سینا آن را در اروپا رواج داد.

۲ می‌توان گفت ارسطوگرایی در اروپا ریشه در آراء فلاسفه‌ی اسلامی داشت.

۳ نظر توماس آکوئیناس در باب وجود و ماهیت بیشتر براساس اندیشه‌ی ابن‌رشد بود.

۴ مکتب تومیسسم به نام وی همچنان در جریان است.

۲ دانشمندی برای بررسی سلول‌های یک برگ ان را زیر میکروسکوپ گذاشته و آن را مشاهده می‌کند. این مطلب نشانگر کدام یک از موارد زیر است؟

۱ مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

۲ مغایرت وجود و ماهیت در خارج

۳ عینیت وجود و ماهیت در ذهن

۴ عینیت وجود و ماهیت در خارج

۳ اگر وجود جزء مفهوم ماهیت بود، آنگاه

۱ دو مفهوم از یک واقعیت قابل انتزاع نبود.

۲ وجود و ماهیت عین هم بودند.

۳ هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوتی نداشت.

۴ همه ماهیات واجب‌الوجود بودند.

۴ کدام حمل مانند حمل «وجود» بر «ماهیت» است؟

۱ شیر بر حیوان

۲ شکل بر مثلث قائم‌الزاویه

۳ ناطق بر انسان

۴ واجب‌الوجود بر غنی بالذات

۵ کدام عبارت، معنای «مغایرت وجود و ماهیت» را به درستی نشان می‌دهد؟

۱ اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند که می‌توانیم به چپستی آن‌ها علم پیدا کنیم.

۲ ذهن، هر واقعیت خارجی را به دو جزء وجود و ماهیت تحلیل می‌کند.

۳ هر مفهوم ذهنی، در عالم خارج به دو جزء تقسیم می‌شود.

۴ هر موجودی از دو جزء وجود و ماهیت ترکیب شده است.

۶ درباره‌ی ماهیت نمی‌توانیم بگوییم

۱ بیانگر ذاتیات یک شیء است.

۲ ممتنع‌الوجود فاقد آن است.

۳ موضوع یک قضیه‌ی دوجزئی است.

۴ بر خودش نیز حمل می‌شود.

۷ در کدام گزینه، مغایرت وجود و ماهیت به درستی مطرح شده است؟

- ۱ در قضیه‌ی «اسب هست» مفهوم هستی جزئی از مفهوم اسب است.
- ۲ زیادت وجود بر ماهیت یعنی وجود در ذهن بر ماهیت حمل می‌شود.
- ۳ هر واقعیت یگانه، در جهان خارج به دو بخش وجود و ماهیت تقسیم می‌شود.
- ۴ براساس مغایرت وجود و ماهیت، مفاهیم عدمی مانند شریک‌الباری ماهیت ندارند.

۸ می‌توان گفت در اواخر قرون وسطی

- ۱ اصالت عقل اروپاییان متأثر از ابن‌سینا و ابن‌رشد شکل گرفت.
- ۲ فیلسوفان مسیحی با افکار و نظرات ارسطو آشنایی نداشتند.
- ۳ فکر نوافلاطونی توسط آگوستین گسترش یافت.
- ۴ زمینه برای اصالت عقل در عصر جدید وجود داشت.

۹ کدام گزینه اصل «واقعیت مستقل از ذهن» را مورد تردید قرار نمی‌دهد؟

- ۱ موجب ممکن است دیده و شناخته شود و لاجرم هرگز نه دیده می‌شود و نه شناخته.
- ۲ ما حداکثر فقط می‌توانیم بگوییم که اشیاء چگونه به نظر ما می‌آیند نه چیز بیشتر.
- ۳ آدمی مقیاس همه چیز است، مقیاس هستی آنچه هست و مقیاس نیستی آنچه نیست.
- ۴ اولاً هیچ چیز وجود ندارد، ثانیاً به فرض وجود، برای انسان شناختنی نیست.

۱۰ در کدام گزینه حمل محمول بر موضوع نه از ضرورت برخوردار است و نه از امتناع؟

- ۱ آفریدگار جهانیان دارای وجود است.
- ۲ مثلث دارای یک زاویه‌ی قائمه است.
- ۳ مجموع زوایای داخلی مربع ۳۲۰ درجه است.
- ۴ شریک‌الباری از حیث وجود ممتنع است.

۱۱ کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ ادراک وجود واقعیت‌های بیرونی از طریق ارتباط عملی با آن‌ها میسر می‌گردد.
- ۲ پرسش «این چیست؟» نشان‌دهنده‌ی آگاهی شخصی از ماهیت داشتن آن موجود است.
- ۳ وجود و ماهیت دو جنبه‌ی واقعی از یک موجود واحد در جهان خارج هستند.
- ۴ نمی‌توان قضایایی با مفاهیم کاملاً یکسان را واحد حملی متفاوت قلمداد کرد.

۱۲ کدام گزینه به ترتیب حمل اول ذاتی و حمل شایع صناعی است؟

- ۱ خداوند موجود است - انسان موجود است.
- ۲ مثلث قائم‌الزاویه است - انسان موجود است.
- ۳ انسان حیوان ناطق است - خداوند موجود است.
- ۴ خداوند موجود است - مثلث متساوی‌الاضلاع است.

۱۳ تفاوت دو عبارت «انسان ناطق است» و «انسان حیوان است» در کدام گزینه دقیق‌تر تحلیل شده است؟

- ۱ حمل ناطق بر انسان ضروری است ولی حمل حیوان بر انسان ضروری نیست.
- ۲ ناطق جزء مساوی مفهوم انسان است اما حیوان جزء مشترک مفهوم انسان است.
- ۳ حمل ناطق بر انسان نیازمند دلیل نیست اما حمل حیوان بر انسان نیازمند دلیل است.
- ۴ مفهوم ناطق نسبت به مفهوم حیوان گستردگی بیشتری است.

۱۴ به ترتیب حمل «تنها پستاندار واقعاً پروازکننده» بر «خفاش»، «هستی» بر «کرونا» و «گوسفند ماده» بر «میش» چه حکمی دارد؟

- ۱ نیاز به دلیل ندارد - نیاز به دلیل ندارد - نیاز به دلیل دارد.
- ۲ نیاز به دلیل ندارد - نیاز به دلیل دارد - نیاز به دلیل ندارد.
- ۳ نیاز به دلیل دارد - نیاز به دلیل دارد - نیاز به دلیل ندارد.
- ۴ نیاز به دلیل دارد - نیاز به دلیل ندارد - نیاز به دلیل دارد.

۱۵ سؤال «این چیست؟» بیان‌گر و «سیب» و «وجود سیب» دو هستند.

- ۱ علم به وجود و جهل به ماهیت - مفهوم یکسان از یک موجود واحد
- ۲ علم به ماهیت و جهل به وجود - مفهوم یکسان از یک موجود واحد
- ۳ علم به وجود و جهل به ماهیت - مفهوم مختلف از یک موجود واحد
- ۴ علم به ماهیت و جهل به وجود - مفهوم مختلف از یک موجود واحد

۱۶ در چه صورت رابطه‌ی موضوع و محمول قضیه‌ی «مثلث چهارضلعی موجود است» مانند قضیه‌ی «انسان ناطق است» می‌شد؟

- ۱ اگر وجود و ماهیت در خارج عین یکدیگر بودند.
- ۲ اگر مثلث چهارضلعی ممتنع‌الوجود بالذات نبود.
- ۳ اگر وجود جزئی از ماهیت محسوب می‌شد.
- ۴ اگر علتی برای مثلث چهارضلعی وجود داشت.

۱۷ نسبت کدام دسته از مفاهیم با «اسب»، واجب و ضروری است؟

- ۱ سفید - شیهه‌کشنده - چهارپا
- ۲ جسم - مهره‌دار - دارای یال
- ۳ حیوان - رشدکننده - حساس
- ۴ بارکش - جسم - حساس

۱۸ کدام گزینه، عبارت زیر را به درستی کامل می‌کند؟

«نسبت محلول وجود با یک ماهیت به عنوان موضوع،»

- ۱ مانند دو کفه ترازویی است که در حالت تعادل قرار دارد.
- ۲ در صورتی که آن ماهیت موجود باشد، وجوبی است.
- ۳ در صورت ممتنع نبودن آن ماهیت، امکانی است.
- ۴ همواره امکانی است.

۱۹ کدام عبارت درست است؟

- ۱ برخی موضوعها با «وجود» فقط رابطه‌امکانی دارند، ولی موجود هستند و جهان موجودات را تشکیل می‌دهند.
- ۲ اگر مفهومی را در نظر بگیریم، ولی مصداق آن در جهان یافت نشود، یعنی ذاتاً نمی‌تواند موجود شود.
- ۳ موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه‌حتمی دارد، رابطه‌وجوبی می‌نامند.
- ۴ موجودات عالم به دو قسم واجب و ممکن تقسیم می‌شوند.

۲۰ کدام گزینه درباره‌ی عبارت «ممکن‌الوجود بالذات اقتضایی نسبت به وجود ندارد و نیازمند علّتی واجب است.» درست است؟

- ۱ شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است.
- ۲ شامل دو تصدیق جدا با محمول یکسان است.
- ۳ یک تصدیق واحد دارای دو محمول متفاوت است.
- ۴ تصدیقی با محمول واحد متشکل از چند لفظ است.

۲۱ در کدام مورد، نسبت میان موضوع و محمول در هر دو قضیه یکسان است؟

- ۱ آب مایعی بی‌رنگ است - فعل کلمه‌ای است که انجام کاری را می‌رساند.
- ۲ چوب عایق است - یکی از انواع ویروس‌ها، ویروس آنفلوانزا است.
- ۳ کره زمین دارای آب است - هر جسمی دارای مکان است.
- ۴ اکسیژن، از انواع گازها است - فلز نوعی ماده است.

۲۲ کدام گزینه در تبیین عبارت زیر صحیح است؟

«چون این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن‌الوجود هستند، همین رابطه‌امکانی به ذات و ماهیت آنها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز موجود شوند و در خارج تحقق یابند.»

- ۱ حالت امکان ذاتی موجودات علت وجود یافتن آنهاست.
- ۲ تحقق بیرونی علت همیشه از لحاظ زمانی بر تحقق معلول مقدم است.
- ۳ ممکنات نسبت به هم هیچ تقدم و تأخیری ندارند، مگر در نسبت با علت واجب خود.
- ۴ امکان و عدم قطعیت خصیصه‌جدایی‌ناپذیر ذات معلول است و هرگز از آن زائل نمی‌شود.

۲۳ چنانچه الف مفهومی باشد که با وجود رابطه‌امکانی دارد، کدام گزینه توصیف درستی از این مفهوم یا رابطه ارائه نمی‌دهد؟

- ۱ بدون شک الف ذاتی است که نه از وجود ابا دارد و نه از عدم.
- ۲ لازمه وجود چنین رابطه‌ای مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است.
- ۳ الف برای معدوم شدن به چیزی غیر از خودش نیاز ندارد.
- ۴ این رابطه نه در صدق اجتناب‌ناپذیر است و نه در کذب.

۲۴ توضیحات کدام گزینه ارتباط دقیق‌تری با مفهوم ممتنع‌الوجود بالذات دارد و تمامی مصادیق آن را دربر می‌گیرد؟

۱ اگر محمول هستی بر آن حمل شود، قضیه حاصله کاذب خواهد بود.

۲ این مفهوم جزء مفاهیمی است که فاقد مصداق هستند.

۳ وجود داشتن چنین مفهومی صرفاً در عالم خیال ممکن است.

۴ این مفهوم از اساس قابلیت این را ندارد که مورد تصور واقع شود.

۲۵ با توجه به نسبت‌های سه‌گانه در قضایا، کدام نتیجه‌گیری فلسفی از قضیه‌ی «لوزی خط بسته‌ای است که چهار زاویه‌ی قائمه

می‌سازد» و با قضیه‌ی «هر موجودی دارای حواس، جاندار است»، صحیح است؟

۱ محمول قضیه‌ی اول، به این دلیل که ذاتی موضوع خود می‌باشد، برای آن موضوع ضروری و واجب است.

۲ در هر دو قضیه‌ی اول و دوم، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن، یعنی محال و ممتنع است.

۳ محمول قضیه‌ی دوم برای موضوع خود ضروری نیست، یعنی موضوع می‌تواند آن محمول را بپذیرد یا نپذیرد.

۴ نمی‌توان میان موضوع و محمول قضیه‌ی اول ارتباط برقرار کرد، یعنی موضوع و محمول آن ممتنع است.

۱ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. توماس آکوئیناس فلسفه‌ای در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود. سایر گزینه‌ها صحیح‌اند.

۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اینکه برای بررسی ماهیت یک شیء به سراغ وجود آن می‌رویم و وجودش را بررسی کنیم تا بتوانیم ماهیتش را مطالعه کنیم، نشان از عینیت وجود و ماهیت در جهان خارج است، یعنی در عالم واقع این دو جدا از یکدیگر نیستند.

۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر وجود جزئی از ماهیت بود، در آن صورت همه چیزهایی که ماهیت داشتند به حمل اولی ذاتی موجود می‌شدند و حمل وجود بر همه ماهیات مانند حمل «حیوان» بر «انسان» یا «فلز» بر «جیوه» بود. بنابراین می‌توان گفت که اگر وجود از اجزای ماهیت بود، همه چیز واجب‌الوجود می‌شد. دقت که سایر گزینه‌ها مربوط به «عینیت وجود و ماهیت» هستند نه «جزء بودن ماهیت».

۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. حمل وجود بر ماهیت نیاز به دلیل دارد و حمل شیر بر حیوان نیز نیازمند دلیل است؛ چون حیوان می‌تواند شیر باشد یا شیر نباشد.

۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند، یعنی ذهن هر واقعیت خارجی را به دو جزء وجود و ماهیت تحلیل می‌کند.

۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ماهیت عبارت است از چستی یک شیء هرگاه از ذات یک شیء سوال شود، پاسخ ماهیت آن است (رد گزینه ۱). بنابراین ممنوع‌الوجود اگر چه وجود ندارد، اما ماهیت دارد. شیء خارجی واقعیتی یگانه است که در ذهن به ماهیت و وجود تفکیک می‌شود و وجود بر ماهیت حمل می‌شود (رد گزینه ۳) تا واقعیت آن شیء مورد تأیید واقع شود. ماهیت را می‌توان بر خود ماهیت حمل کرد و این غیر از حمل وجود بر ماهیت است. برای مثال قضیه‌ی «اسب اسب است» با قضیه‌ی «اسب هست» متفاوت است. (رد گزینه ۴)

۷ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مغایرت وجود و ماهیت یا زیادت وجود بر ماهیت به این معناست که هر واقعیت یگانه در جهان خارج، در ذهن، به دو مفهوم ماهیت و وجود تفکیک می‌شود (رد گزینه ۳). یکی از دلایلی که برای اثبات مغایرت وجود و ماهیت می‌آورند این است که اگر وجود عین ماهیت یا جزیی از ماهیت بود، هر ماهیتی موجود بود. اما چنین نیست. زیرا مفاهیم عدمی مانند ققنوس یا شریک‌الباری اگر چه ماهیت دارند اما وجود ندارند (رد گزینه ۱ و ۴).

۸ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. رد گزینه ۱: اصالت عقل اروپاییان در اواخر قرون وسطی نیست در عصر جدید است.

رد گزینه ۲: در اواخر قرون وسطی فیلسوفان مسیحی از طریق ترجمه آثار ابن‌سینا و ابن‌رشد با افکار ارسطو آشنا شدند.
رد گزینه ۳: فکر نوافلاطونی توسط آگوستین در قرن ۵ تا ۱۲ رواج داشت ولی آگوستین در اواخر قرون وسطی حضور نداشت.
رد گزینه ۴: زمینه‌ی اصالت عقل اروپاییان توسط ابن‌سینا و ابن‌رشد در قرون ۱۲ و ۱۳ ایجاد شد و ادامه یافت و بعد از آن ظهور کرد.

۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نخستین و مهم‌ترین اصلی که می‌تواند مبداء تحقیق فلسفی قرار گیرد، اصل «قبول واقعیت مستقل از ادراک آدمی» است. این اصل به این معناست که واقعیت خارجی وابسته به ذهن آدمی نیست ما در خواب و خیال و توهم نیستیم. این اصل مرز جدایی فلسفه از سفسطه است. در گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴، واقعیتی که مستقل از ذهن وجود داشته باشد، مورد تردید قرار گرفته است. ولی در گزینه ۱، صرفاً ادعای ناشناختی بودن عدم مطرح شده است.

- ۱۰ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هنگامی که حمل محمول بر موضوع نه از ضرورت برخوردار باشد و نه از امتناع، بنابراین حمل امکانی است. بررسی گزینه‌ها:
- گزینه ۱: «حمل ضروری، خداوند واجب‌الوجود است و وجود برای او ضرورت دارد.»
- گزینه ۲: «حمل امکانی، مثلث می‌تواند هر قائم‌الزاویه باشد و هم می‌تواند نباشد.»
- گزینه ۳: «حمل امتناعی. مجموع زوایای داخلی مربع ۳۶۰ درجه است.»
- گزینه ۴: «حمل ضروری. شریک خداوند ضرورتاً ممتنع‌الوجود است.»
- ۱۱ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وجود و ماهیت دو مفهوم (دو جنبه ذهنی) از یک موجود واحد در جهان خارج هستند، نه دو امر موجود و واقعی. تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه ۱: ما با اشیاء جهان خارج ارتباط می‌گیریم و از آن‌ها استفاده می‌کنیم. این ارتباط به معنای تصدیق وجود آن‌ها و خیالی نبودن این اشیاء است.
- گزینه ۲: پرسش از چیستی یک امر نشان‌دهنده آگاهی از وجود داشتن و ماهیت داشتن آن شیء است. دقت کنید که آگاهی از ماهیت داشتن شیء مترادف با آگاهی از چیستی ماهیت آن شیء نیست.
- گزینه ۴: اگر همه مفاهیم دو قضیه کاملاً یکسان باشند و در جایگاه یکسان قرار گرفته باشند قاعدتاً نوع حمل حاصل از این مفاهیم هم یکسان خواهد بود. این قاعده‌ای است که این‌سینا در اثبات مغایرت وجود و ماهیت استفاده کرد.
- ۱۲ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در عبارت «انسان حیوان ناطق است» مفهوم موضوع (انسان) و حیوان ناطق (محمول) یکی است. پس حمل اولی ذاتی است اما در عبارت «خداوند موجود است» مفهوم موضوع (خداوند) با مفهوم محمول (موجود) یکی نیست. پس حمل شایع صناعی است.
- ۱۳ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ناطق با انسان رابطه‌ی تساوی دارد، ولی حیوان مفهومی عام‌تر است به عبارتی وجود اشتراک انسان با دیگر حیوانات است.
- ۱۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تنها پستاندار پروازکننده و گوسفند ماده، اجزای تعریف خفاش و میش و گویای ذات و حقیقت این دو هستند. این مفاهیم که در جایگاه محمول قرار گرفته‌اند از موضوعشان جدایی‌ناپذیرند. تنها در اجمال و گستردگی تفاوت دارند. حمل چیزی بر خودش نیاز به دلیل ندارد.
- حمل «وجود» بر هر «چیستی»، از جمله «کرونا»، نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است از طریق حس و تجزیه به دست آید یا از طریق عقل محض.
- ۱۵ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در مثال کتاب (کودک و پدر در باغ وحش)، کودک با استفاده از کلمه‌ی «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می‌داند که آن‌ها موجودند اما از «ماهیت» و «چیستی» آن‌ها آگاه نیست.
- «هستی» و «چیستی» دو جنبه‌ی یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده‌ی آب هستند. در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارت دیگر «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد است.

- ۱۶ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. قضیه‌ی «مثلث چهارضلعی موجود است.» یک قضیه‌ی امتناعی می‌باشد چون «مثلث چهارضلعی» خود - متناقض است و از هستی‌یافتن در دنیای خارج امتناع دارد. اما «انسان ناطق است.» یک قضیه‌ی وجوبی است و ناطق به صورت اولی ذاتی بر انسان حمل می‌شود. بنابراین صورت سؤال از ما می‌خواهد که بیان کنیم، قضیه‌ی «مثلث چهارضلعی موجود است.» چه زمانی وجوبی خواهد شد.
- می‌دانیم که اگر وجود جزء ماهیت باشد، در آن صورت حمل آن بر ماهیت به صورت اولی ذاتی و بنابراین وجوبی خواهد بود چون ماهیت و جزء مفهومی ماهیت به حمل اولی ذاتی بر خودش حمل می‌شود. بنابراین اگر وجود جزء ماهیت بود، «مثلث چهارضلعی موجود است» نیز یک قضیه‌ی وجوبی می‌شد.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه‌ی «۱»: وجود و ماهیت در خارج همواره عینیت دارند و نمی‌توان آن‌ها را در خارج از هم جدا کرد.
- گزینه‌ی «۲»: اگر «مثلث چهارضلعی» ممتنع‌بالذات نیز نبود، همچنان دلیل نداشت که قضیه‌ی «مثلث چهارضلعی موجود است» وجوبی باشد، بلکه می‌توانست امکانی باشد.
- گزینه‌ی «۴»: حتی اگر برای «مثلث چهارضلعی»، علتی نیز یافت می‌شد این قضیه به صورت امکانی در می‌آمد چون همچنان حمل وجود بر آن مستلزم وجود علتش بود، و حال آن که مثلث چهارضلعی اساساً ممتنع‌الوجود بالذات است و اصلاً امکان ندارد که علتی داشته باشد و هیچ علتی نمی‌تواند آن را به وجود آورد.
- ۱۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. رابطه‌ی مفهوم حیوان، مهره‌دار، حساس، شیبه‌کشنده، رشدکننده و جسم با اسب رابطه‌ی ضروری است؛ چون تمام این‌ها از اجزاء ذاتی اسب هستند و در تعریف اسب می‌آیند و از آن قابل انفکاک نیستند، ولی چهارپا، سفید، بارکش و دارای یال از اجزای ذاتی اسب نیستند.
- ۱۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نسبت محمول وجود با موضوع‌های خود یا ضروری است یا امکانی یا امتناعی. موضوع‌هایی که با وجود، رابطه‌ی امکانی دارند (یعنی ممکن‌الوجود بالذات هستند)، مانند دو کفه‌ی ترازو هستند که در حالت تعادل قرار دارند، ولی اگر علت تأمه‌ی آن‌ها باشد، به وجود می‌آیند و واجب‌الوجود بالغیر خواهند بود.
- ۱۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بعضی موضوع‌ها، با «وجود» رابطه‌ی امکانی دارند، یعنی در ماهیت و ذات خود ممکن‌الوجود هستند و همین رابطه‌ی امکانی، به ذات و ماهیت آن‌ها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آن‌ها فراهم شود، آن‌ها نیز موجود شوند و در خارج تحقق یابند. به موضوعی که نسبت به محمول وجود، رابطه‌ی حتمی دارد واجب‌الوجود می‌گویند.
- موجودات عالم به دو قسم واجب‌الوجود بالذات و واجب‌الوجود بالغیر تقسیم می‌شوند؛ زیرا وقتی چیزی موجود است یعنی از مرحله‌ی امکان خارج شده و به مرحله‌ی وجوب وجود رسیده است.
- ۲۰ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
- باید به این امر توجه کنید که اگر دو موضوع یا دو محمول داشته باشیم (به اصطلاح موضوع و محمول متکثر باشند) قضیه‌ی ما هم به همان تعداد متکثر است. یعنی این‌گونه نیست که در قضیه‌ی صورت سؤال یک قضیه یا تصدیق داشته باشیم. بلکه در اصل دو تصدیق داریم که موضوع آن‌ها مشترک و یکسان بوده است.
- توضیح نکات درسی:
- توجه کنید که یک حالت استثنا داریم. اگر محمول دو تا باشد اما لزوماً باید گل آن محمول بر موضوع حمل شود، یا موضوع دو تا باشد اما محمول مربوط به کل آن موضوع باشد و نتوان آن را تفکیک کرد دیگر قضیه‌ی ما دو تا (متکثره) نخواهد بود و با یک قضیه‌ی واحد روبه‌رو هستیم. برای مثال:
- علی و احمد باهوش هستند: دو تصدیق (علی باهوش است - احمد باهوش است)
- علی و احمد دو نفر هستند: یک تصدیق (نمی‌توان موضوع‌ها را از هم جدا کرد و دو تصدیق ساخت).

۲۱) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. آب مایعی بی‌رنگ است: قضیه‌ای امکانی است زیرا ممکن است آب با رنگ مخلوط شود و دیگر بی‌رنگ نباشد اما همچنان به دلیل ذات آن، آب نام دارد.

فعل کلمه‌ای است که انجام کاری را می‌رساند: قضیه‌ای امکانی است زیرا ممکن است از اتفاق افتادن رویدادی در گذشته و یا وجود حالتی خبر دهد. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: چوب عایق است = وجوبی (محال است چوب رسانا باشد) - یکی از انواع ویروس‌ها آنفلوانزا است = امکانی (ممکن است یکی از انواع ویروس‌ها، ایدز باشد).

نکته: اگر عبارت دوم، برعکس ذکر می‌شد، وجوبی بود. (آنفلوانزا، یکی از انواع ویروس‌ها است)

گزینه ۳: کره زمین دارای آب است = امکانی (ممکن است کره زمین آب نداشته باشد) - هر جسمی دارای مکان است = ضروری (قطعاً همه جسم‌ها، مکان دارند و موجوداتی مثل خداوند و اجنه که مکان خاصی ندارند، جسم نیستند).

گزینه ۴: اکسیژن، از انواع گازها است = امکانی (اگر اکسیژن به دمای منفی ۱۸۲ درجه برسد، به مایع تبدیل می‌شود و دیگر گاز نیست) - فلز نوعی ماده است = وجوبی (ماده بودن، ذات فلز است)

۲۲) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ذات معلول همیشه ممکن‌الوجود است و حتی با تحقق آن به وسیله علت و وجود یافتن، ذات و ماهیت امکانی معلول تغییر نمی‌کند. آن معلول همچنان ممکن‌الوجود بالذاتی است که به خاطر وجودبخشی یک علت در عالم خارج محقق شده است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: علت عامل وجود یافتن ممکن است و ذات امکانی معلول به هیچ‌وجه عامل وجود یافتن آن نیست و برای وجود یافتن معلول کفایت نمی‌کند.

گزینه ۲: علت از نظر رتبی مقدم بر معلول خود است. اما لزوماً به این معنا نیست که از لحاظ زمانی پیش از معلول خود وجود دارد. چون اگر علت در جهان خارج محقق باشد پس معلول هم ضرورتاً در جهان خارج محقق است و وجود دارد.

گزینه ۳: این طور نیست که ممکنات نسبت به هم هیچ تقدم و تأخیری نداشته باشند چون علت‌هایی ممکن‌الوجود هم هستند که خود معلول علت دیگری هستند و فقط علت واجب نداریم. ممکن است بین دو ممکن‌الوجود نسبت علی - معلولی برقرار باشد، پس بین آن‌ها تقدم و تأخر رتبی وجود داشته باشد.

۲۳) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. حالت ممکن‌الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه‌ای بر دیگری ترجیحی ندارد. حال اگر بینیم یکی از کفه‌ها به سمت پایین کشیده شده و بر دیگری فزونی یافته می‌گوییم، حتماً علتی در کار بوده که یک کفه را پایین آورده است. زیرا عقلاً محال است که خود به خود، یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند و به سمت پایین حرکت نماید. (به عبارت دیگر: نبود علت وجوددهنده، علت عدم است).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اگر رابطه وجود با موضوعی، رابطه امکانی باشد در این صورت موضوع، ذاتی است که نه از وجود ابا دارد و نه از عدم، یعنی نسبت آن با وجود و عدم متساوی است.

گزینه ۲: اگر وجود و ماهیت در ذهن مغایرت نداشته باشند، یعنی وجود عین یا جزئی از ماهیت باشد در این صورت ماهیات همیشه هستند و دیگر رابطه امکانی و امتناعی بین ماهیات و محمول وجود بی‌معنا می‌شود.

گزینه ۴: در یک رابطه امکانی نه قضیه حتماً صادق است و نه قضیه حتماً کاذب است.

۲۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ممتنع‌الوجود بالذات به چیزی گفته می‌شود که وقتی خودِ ذات آن را تصور می‌کنیم، درک می‌کنیم که محال است موجود باشد.

ممتنع‌الوجود، مفهومی است که فرض وجود یافتن آن به هیچ‌وجه امکان ندارد. بنابراین هر قضیه‌ای که موضوعش یک مفهوم ممتنع‌الوجود بالذات باشد و محمول وجود بر آن حمل شود، قطعاً کاذب خواهد بود. مثلاً: دایره مربع موجود است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: بسیاری از ممکن‌الوجودهای بالذات هم مصداق خارج از ذهن ندارند یا به عبارتی موجود نیستند، مانند: انسان دارای ده هزار پا. پس این تعبیر اختصاص به ممتنع‌الوجود ندارد.

گزینه ۳: ممکن‌الوجودهای بالذات (که علت وجودشان تحقق نیافته است) نیز وجود خارجی ندارند و صرفاً وجود خیالی و فرضی دارند. مانند اژدهای هفتاد سر. ضمن اینکه در مورد برخی مفاهیم ممتنع‌الوجود، امکان تخیل آن‌ها هم منتفی است، برای مثال «دایره مربع» قابل تخیل کردن هم نیست.

گزینه ۴: مفاهیم ممتنع‌الوجود بالذات (دست کم برخی از آن‌ها) قابل تصور در ذهن هستند. آنچه محال است، مصداق واقعی داشتن آن‌هاست.

۲۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. لوزی، شکل است و نه خط بسته‌ای که چهار زاویه‌ی قائمه می‌سازد. پس خط بسته، ارتباطی به لوزی ندارد و بنابراین رابطه‌ی بین موضوع و محمول این قضیه، رابطه‌ی امتناعی است، یعنی محال و ممتنع است که لوزی خط بسته باشد. اما در قضیه‌ی دوم، یعنی «هر موجود دارای حواس، جاندار است.» بین موضوع و محمول آن رابطه‌ی ضروری و وجوبی برقرار است.